



مطبوعه و انتشارات: ۵۲۶/۱ - ۵۲۶/۱
مطبوعه و انتشارات: ۵۲۶/۱ - ۵۲۶/۱
مطبوعه و انتشارات: ۵۲۶/۱ - ۵۲۶/۱
ISBN 978-964-312-222-1

از همیشه تا جاویدان

(گزیده متون عرفانی)

دکتر ابراهیم قیصری

به کوشش:

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۷	سخن ناشر
۹	یادداشت
۱۳	دفتر صوفی
۲۱	شیخ ابوالحسن خرقانی
۲۳	در سؤال و جواب
۲۹	مستملی بخاری
۳۱	وجد
۳۹	ابوالقاسم قشیری
۴۱	در سماع
۴۵	علی بن عثمان هجویری غزنوی
۴۷	باب بیان الملامه
۵۱	حج قبول
۵۵	• انصاری هروی
۵۷	الهی!
۶۳	از طبقات الصوفیه
۶۵	• احمد غزالی
۶۷	سوانح عشق
۷۹	• عین القضات همدانی
۸۱	از تمهیدات
۹۹	از مکتوبات
۱۲۱	جمال الدین ابوروح
۱۲۳	سُبع هشتم!
۱۲۵	• شهاب الدین احمد سمعانی

الله، لا اله الا هو ۱۲۷

احمد جام نامقی ۱۳۱

در صفت پیر ۱۳۳

در فرق میان کشش خداوند و روش بنده ۱۳۷

نویسنده؟ ۱۴۳

حکایاتی از منتخب رونق المجالس ۱۴۵

محمّد بن منوّر ۱۴۹

حکایاتی از اسرار التوحید ۱۵۱

شهاب الدین سهروردی ۱۵۵

عقل سرخ ۱۵۷

* رشیدالدین ابوالفضل میبدی ۱۶۷

تفسیر عرفانی از آیات قرآنی ۱۶۹

* روزبهان بقلی ۲۱۵

فی نعت حسین بن منصور ۲۱۷

فی شطحیات اَبی یزید ۲۲۳

فی فضیلة الحُسن و الحسن و المستحسن ۲۴۱

* فریدالدین عطار نیشابوری ۲۴۹

بایزید بسطامی ۲۵۱

معراج بایزید ۲۷۱

حسین بن منصور حلّاج ۲۷۷

محمد بن حسین خطیبی بلخی معروف به «بهاء ولد» ۲۸۷

تعبیرات عرفانی از آیات قرآن مجید ۲۸۹

نجم رازی ۲۹۳

در بدایت خلقت قالب انسان ۲۹۵

در بدو تعلق روح به قالب ۳۰۷

شمس تبریزی ۳۱۳

مقالات شمس ۳۱۵

جلال الدین محمّد مولوی ۳۱۷

لطایف عرفانی ۳۱۹

ابوحفص شهاب الدین سهروردی ۳۲۱

در بیان اشارات مشایخ در مقامات ۳۲۳

* نورالدین اسفراینی ۳۲۹

مکتوب ۳۳۱

عزالدین محمود کاشانی ۳۴۱

در علم لدنی ۳۴۳

ابوالمفاخر یحیی باخرزی ۳۴۷

شرح الفاظ القوال فی السّماع ۳۴۹

علاء الدوله سمنانی ۳۶۳

شطرنجیه ۳۶۵

ضیاء الدین نخشی ۳۷۱

زبان حال ۳۷۳

عزیزالدین نسفی ۳۷۷

در بیان راه به مقصد ۳۷۹

در بیان عشق ۳۸۱

شمس الدین ابراهیم ابرقوهی ۳۸۷

مدینه جسم ۳۸۹

شمس الدین افلاکی ۳۹۷

یاد یار ۳۹۹

تعلیقات و توضیحات ۴۰۱

فهرست اعلام ۴۴۱

مأخذ ۴۴۶

رسید و ضمن توزیع صفحات دیدم این مجموعه ناتمام باز هم بهترین گزینه‌ای است از متون عرفانی که تا به حال صورت گرفته است.

در ذهنم به دنبال دوستان و محققانی که می‌شناختم می‌گشتم تا به یاد زنده نام دکتر غلامحسین یوسفی دوست و همشهری بزرگواریم افتادم که همواره از رهنمودهای ارزنده ایشان سود برده‌ام. در یکی از ملاقات‌ها با ایشان درباره‌ی فارغ‌التحصیلان دانشکده‌ی ادبیات مشهد صحبت شد؛ دانشکده‌ای که به جرأت می‌توان گفت یکی از بهترین دانشکده‌هایی بود که در آن سال‌ها تأسیس شد. پایه‌گذار و رئیس نخستین آن روان شاد دکتر علی‌اکبر فیاض و بعد از ایشان مرحوم دکتر احمدعلی رجائی بخارایی در تقویت بنیه علمی این نهاد ادبی رنج‌ها تحمل کردند. استادان برجسته‌ای چون دکتر غلامحسین یوسفی که سال‌ها مدیریت گروه آموزشی ادبیات آنجا را برعهده داشت در تربیت شاگردان مستعد آن رشته زحمت‌ها کشیدند. برگردیم که از اصل موضوع دور ماندیم.

استاد در پاسخ جستجوی من و سراغ گرفتن از شاگردان ممتاز گذشته از دکتر ابراهیم قیصری به تأکید و تصریح ذکر خیر می‌ماند و فرمودند دنباله کار را از ایشان بخواهید. از خراسانی‌های اهل قلم که در دوران تحصیل با دکتر قیصری در مشهد یا تهران هم‌درس بودند، سراغ گرفتم. یار دیرینه او دکتر محمدرضا راشد محصل نشانی دانشکده ادبیات دانشگاه شهید چمران امروز (و جندی شاپور آن روز) را دادند. باز هم «مدتی این مثنوی تأخیر شد» و وقتی با محل کار او تماس گرفتم که به قول معروف «از مدارسه بیرون رفته بودند»!

چند سال بعد به دیدارم آمدند و من خوشحال شدم که به مقصود و مقصد موردنظر رسیدم. بلافاصله موضوع ما نحن فیه را در میان گذاشتم و تنها نمونه‌های چاپی کتاب گزینه متون عرفانی را به ایشان نشان دادم. دیدند و گفتند چند روز دیگر نظرم را به شما اطلاع می‌دهم. خوشبختانه در دیدار بعدی پاسخ مثبت ایشان برای تکمیل متن‌ها و نوشتن تعلیقات مرا از دغدغه و انتظار بیرون آورد.

متن‌هایی را که آقای دکتر شفیع کدکنی برگزیده‌اند ضمن سپاس فراوان از آن عزیز با علامت * (در فهرست مندرجات) مشخص کرده‌ایم و متونی را که مؤلف حاضر بر کتاب افزوده‌اند با عنوان انتخاب جدید نشان داده‌ایم. امیدوارم آنچه کرده‌ایم «مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود».

محسن باقرزاده
مدیر انتشارات توس
تهران امرداد / ۱۳۸۲

به یاد شادروان

دکتر غلامحسین یوسفی

یادداشت

مجله معتبر «راهنمای کتاب» در سال ۱۳۴۹ (دوره نهم) اقتراح بحث‌انگیزی تحت عنوان «نشر آثار صوفیه مفید است یا مضر؟» مطرح کرد که استادان بزرگ و ناموری چون سیدمحمدعلی جمال‌زاده، دکتر محمود صناعتی، دکتر ابراهیم باستانی پاریزی، موسی جوان، دکتر غلامحسین یوسفی و ... به این نظرخواهی پاسخ‌های بایسته و شایسته دادند.

اکنون که مجموعه‌ای از متون عرفانی به نام «از همیشه تا جاویدان» تجدید چاپ می‌شود لازم دانستیم به جای مقدمه این چاپ، پاسخ سنجیده و متعادل زنده یاد دکتر غلامحسین یوسفی را اینجا بیاوریم تا با توجه به اشاراتی که در یادداشت ناشر بر چاپ نخست آمده، هم ذکر خیری از آن استاد فرزانه یگانه بشود و هم از اهتمام و کوشش‌های سالیان متمادی شادروان محسن باقرزاده، مدیر و مؤسس انتشارات توس، به نیکی یاد کرده باشیم.

در پاسخ نظر آزمایی مجله راجع به این که «نشر متون قدیمی صوفیانه مفید است یا مضر؟» به نظر نویسنده بر این کار، از نظرهای مختلف، فواید بسیار مترتب است. در نامه مجله راهنمای کتاب به بسیاری از سودهایی که از مطالعه در این گونه متن‌ها حاصل می‌شود به اختصار اشاره شده است از قبیل «اطلاعات و فواید مربوط به عقاید متصوفه، مطالب مهم در خصوص اوضاع اجتماعی و شناخت زندگانی مردم زمان، نکات لغوی و دقایق دستوری مربوط به زبان فارسی.» بر این جمله باید افزود که ما اگر بخواهیم ایران و فرهنگ و تاریخ و ادب ایران را به درستی بشناسیم باید جمیع آثار و نشانه‌ها و اسناد مربوط به این موضوع را، هرچه باشد، با دقت و امانت ضبط و چاپ و نشر کنیم، و چگونه می‌توان از مکتب و مشربی که چند قرن در ادبیات و تاریخ و زندگانی اجتماعی و فردی و حیات معنوی و مادی ملتی تأثیر عمیق کرده است چشم‌پوشید و آثار مربوط به آن را به عنوان این که مطالعه‌اش ممکن است گروهی را گمراه کند به یک سو نهاد؟!

از طرف دیگر در اکثر جوامع مرفعی جهان تمام کتاب‌ها را قابل ترجمه کردن و خواندن می‌شمرند، به همین سبب کتاب‌های ملل دیگر را به زبان‌های خود برمی‌گردانند و حتی در میان وحشی‌ترین قبایل جهان هر چیزی را مطالعه می‌کنند و آرای خود را می‌نویسند و نشر می‌کنند، و از همین راه به همه جا رسیده‌اند. قرن‌ها پیش از این نیز ابوالفضل بیهقی می‌نوشت: «هیچ چیز نیست که به خواندن نیرزد که آخر هیچ حکایت از نکته‌ای که به کار آید خالی نباشد.» به علاوه در آثار صوفیانه افکار بلند، نکته‌های عبرت‌انگیز، عواطف بشردوستی، آزادمنشی، جوانمردی و سعه صدر و بزرگواری، حقیقت دوستی، حمایت از مظلوم و انتقاد از بیدادگران چندان فراوان است که به واقع در میان شاعران و نویسندگان زبان فارسی، عرفا و صوفیان بیش از دیگران بشر را به انسانیت و انسان دوستی فراخوانده و راهنمایی کرده‌اند^۱ و نویسنده، این نظر استاد مجتبی مینوی را تکرار می‌کند که: «هرگاه کسی از کتب فارسی عرفا و متصوفه ایران که بین چهارصد و هشتصد هجری نوشته شده است فصول خوب و زیبا را انتخاب و اختیار کرده یک جنگ عرفانی ترتیب دهد به گمان بنده از تورات یهود و انجیل نصاری و کلیه کتب اخلاقی و دینی و عرفانی این دو قوم بالاتر، و برای آدم کردن این جنس دویا بهتر و مفیدتر خواهد بود... در حوزه اسلام فرقه‌ای که بیش از همه فرق در تصفیه اخلاق بشر مؤثر بوده‌اند و هم ایشان مصروف آدم کردن این جنس دویا و برانداختن تعصب جاهلیت بوده است فرقه صوفیه بوده‌اند.»^۲

در حقیقت در منطقه فکر و معنی، از معدودی کتاب‌ها که بگذریم، آثار عرفانی ادبیات فارسی است که جلوه و فروغی آشکار دارد و شعر و نثر را از محیط محدود مدح زبردستان و زورمندان رهانده و در آسمان معرفت و اخلاق و انسانیت به پرواز درآورده‌اند. اندیشه‌های عرفانی در میان دیگر مردم جهان نیز مغتنم است بدین سبب است که می‌بینیم حتی در روزگار ما، در مغرب زمین، برخی از نویسندگان و هوشمندان می‌نویسند: چون در این عصر به علل مختلف از قوت معتقدات اخلاقی و دینی مردم کاسته شده و در حیات معنوی و درونی آنان ضعف و فتور راه یافته است، شاید بتوان با مطالعه تعالیم عرفانی - که به مرز بوم و ملتی خاص محدود نمی‌شود - جهانیان را به انسانیت و نوع دوستی و صلح و آشتی ترغیب کرد.^۱ غرض آن که آثار نظم و نثر عرفا آموزنده و سودمند نیز هست. البته منکر این حقیقت نباید شد که تصوف هم مانند هر مکتب و مشربی دوره اعتلا و انحطاطی داشته است و همه آثار و افکار صوفیان از این قبیل نیست بلکه وقتی تصوف خانقاهی رونق گرفته و صوفیان از مغز و معنی روی گردانده اسیر ظواهر و تشریفات صوری و دکاننداری شده‌اند دیگر نه در خانقاه‌ها اثری از حقیقت و معنی است و نه در داعیه‌داران تصوف و کردار و گفتارشان. بنابراین مردان بلنداندیشه‌ای چون ابوسعید ابی‌الخیر که می‌گفت: «خدایت آزاد آفرید، آزاد باش» و متفکر بزرگی مانند مولوی در شمار گروه اخیر - که سعدی و حافظ و اوحدی و دیگران به صراحت از آنان انتقاد کرده‌اند - نیستند و آثارشان نیز در یک ردیف نیست.

پس هم‌چنان که در مطالعه تاریخ یک ملت فقط به دوره‌های پیروزی و قدرت و افتخار نباید توجه کرد و هرچه بر سر آن ملت آمده مطالعه کردنی و آموختنی و عبرت‌گرفتنی است آثار صوفیه نیز به عنوان یکی از پدیده‌های فکر و ذوق مردم ایران در طی قرون، اعم از کتاب‌های پرمایه و ارجمند یا متوسط و ضعیف، درخور حفظ و تأمل و مطالعه است، به خصوص که اگر ادبیات را آینه فکر و روح مردم جامعه‌ای بدانیم آن قدر که در این گونه کتاب‌ها حیات معنوی مردم جلوه‌گر است در آثار هنری متعلق به جوامع اشرافی و خواص، از قبیل مدیحه‌ها و نظایر آنها، مردم را نمی‌توان شناخت، و اگر قرار شود به احتمال بدآموزی برخی از آثار صوفیانه آنها را به کنار نهم پس باید مثلاً در جمع‌آوری و تحقیق مواد فرهنگ عامه (فولکلور) نیز به آنچه مربوط به اعتقادات خرافی و آداب و رسوم ناسودمند مردم است بی‌اعتنا باشیم و با افلاطون در رساله جمهور، هم عقیده شویم و از آفریده‌های ذوق موسیقی دانان جز آهنگ‌های شورانگیز و پهلوانی چیزی نشنومیم. و نتوانیم. اما اگر گروهی را عقیده بر این باشد که «خواندن این کتب از طرف عامه خصوصاً جوانان معایبی کلی در بردارد و نشر این نوع افکار و عقاید اگر به نحو درست در ذهن جای نگردد احتمالاً باعث گمراهی و سوق خواننده به ترک دنیا و اعراض از جهان مادی و توجه به

۱- رکه: عواطف بشری در ادب فارسی، به قلم نگارنده، نیما مجله ۱۴، ۴۶۶، ۴۷۱، ۵۱۴-۵۰۸.

۲- مجله نیما ۳۸۹، ۴۳۳.